تاریخ و فرهنگ مردم خجند

بایمت اف، لقمان

پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، استاد تاریخ دانشگاه دولتی خجند جمهوری تاجیکستان به مدت یک سال (78هـ 1377) /1999-1998م در مرکز پژوهشی خراسان‏شناسی آستان قدس رضوی مشهد توانست طرح علمی خویش را در رابطه با تاریخ و فرهنگ خجند، به ثمر برساند. گفتنی است، اگر همت و دستیاری‏های محققان جوان مرکز فوق نمی‏بود، بعید بود که چنین تألیف در جمهوری اسلامی ایران پدید آید. از اینرو نویسنده این سطور به عنوان یک نفر از خوانندگان تاجیکستانی از مسوولان وقت مرکز پژوهشی خراسان‏شناسی آستان قدس رضوی، که برای چنین کارهای تحقیقاتی، زمینه و شرایط خوبی برای موءلفان و محققان تاجیکی فراهم کرده بودند، سپاسگزارم.

باید پذیرفت که تحقیق پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، تحت عنوان «تاریخ و فرهنگ مردم خجند» (1) از موضوعات مهم و باارزش تاریخ به شمار می‏آید و بدون شک نوشته‏هایش میان محققان و پژوهشگران تاجیک از اعتبار خاصی برخوردار است. و نکته قابل توجه آن که، تألیفات ارزشمند وی اساساً در زمینه مسایل مردم‏شناسی خجند است.

تألیف جدید پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، شامل این موضوعات است: پیشگفتار (ص11-9)، سخن آغاز (ص32-14)، فصل اول: تاریخ و فرهنگ خجند آثار تمدن معنوی و مادی (ص99-33) فصل دوم: «جغرافیای تاریخی سرزمین خجند» (ص150-101) فصل سوم: «تاریخ خجند» (ص229-151)، فصل چهارم: (فرهنگ سنتی) (ص243-231)، فصل پنجم: «دانشوران و اندیشمندان خجندی» (270-257) فهرست منابع و مأخذ (ص290-271) و نمایه (ص332-291).

ارزش فصل‏های کتاب موردنظر، یکسان نیست. برخی از بخش‏های تحقیق و مطالب ارایه شده می‏تواند مورد توجه قرار گیرد. تاریخچه تحقیق موضوع و نقد و بررسی منابع و م‏آخذ دست اول، نقد آثار دانشمندان شوروی در رابطه با تاریخ و مسایل فرهنگ خجند هرچند که خیلی مختصر بیان شده‏اند ولی در مجموع می‏توان آنها را به عنوان جالبترین بخش‏های تألیف، شناخت. (ر.ک.به: ص32-15). در این بخش، پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، آثار بیش از 80 نفر از محققان و پژوهشگران روسی را نقد و بررسی کرده است. همچنین در این تألیف، تاریخ مختصر دوران قبل از اسلام ملک خجند و برخی از مسایل جغرافیایی تاریخی این ولایت، بسیار مفید و بر اساس منابع و م‏آخذ قابل توجه تشریح شده است (صص40-150، 33-101)، بخصوص توصیف مرزهای ولایت خجند (صص120-105) منابع آبی خجند (صص132-120) و راه‏های حمل و نقل (ص 150-140) برای پژوهشگران و خوانندگان ایرانی و غیر ایرانی که به اطلاعات و دست‏آوردهای محققان روسی دسترسی ندارند. پرفایده است.فصل چهارم تألیف مذکور، به بررسی فرهنگ سنتی و ذکر اندیشمندان و دانشمندان خجندی (صص255-231) اختصاص یافته است. توصیف فرهنگ مادی شهر خجند سکونتگاه و منازل، لباس و پوشاک‏های مردم خجند (صص244-321)، انواع غذاها و خوراک مردم خجند (صص249-244)، خانواده و جشن عروسی خجندیان (صص254-249) مراسم عزاداری در خجند (صص255-254) با وجود مختصر بودن اخبار و اطلاعات برای پژوهشگران و خوانندگان ایرانی مهم به نظر می‏رسد، زیرا که این بخش از کتاب، براساس مشاهدات میدانی و تألیفات قبلی محقق نوشته شده است. در مورد مطالبی که در رابطه با مسایل مردم‏شناسی خجند در این کتاب آورده شده است، با اطمینان می‏توان گفت از بهترین و موفق‏ترین بخش‏های آن به شمار می‏آید.

نگارنده قصد نوشتن نقدی بر این کتاب را نداشتم، چون نقد مفصلی در رابطه با این تألیف در جمهوری تاجیکستان نوشته شده است. (2) اما به دلیل این که، موءلف این کتاب ضمن بررسی‏های خود، مرتکب اشتباهات فاحشی شده و با برداشت‏های غلطش، خوانندگان را در سردرگمی قرار داده است، روشن کردن برخی از مطالب را خالی از فایده ندانستم.

انصافاً باید گفت که تحقیقات پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد در زمینه مردم‏شناسی ارزنده است ولی این ارزیابی شایسته تحقیقاتی که وی درباره تاریخ قرون وسطی خجند انجام داده، نیست. این ادعا را می‏توان از اشتباهات و نواقص تألیف موردنظر به خوبی مشاهده کرد.

چین به نظر می‏رسد که موءلف کتاب «تاریخ و فرهنگ مردم خجند» در بررسی مسایل تاریخ علم و آثار دانشمندان خجندی، مهارت و نکته‏سنجی لازم را به کار نبرده است. موءلف در این بخش از کتاب خود، ناتوانی خود را بیشتر آشکار کرده است، چرا که نوشته‏های وی درباره ابومحمد خجندی، بیشتر به یک گزارش روزنامه‏نگاری شباهت دارد تا یک تحلیل علمی و پژوهشی ملاحظه بفرمایید: «در یکی از عبادتگاه‏های بمبئی وسائل اختراعی ابومحمود خجندی- ستاره‏شناس و ریاضیدان سده چهارم قمری- مانند اسطرلاب، سدس (در متن «سودس» نوشته شده است که اشتباه است.) و زاویه‏سنج را مشاهده کردم». (ص10). در جای دیگر، این گفته‏ها به صورت دیگری ولی مضموناً تکرار شده است:

«نگارنده این سطور (نذیرجان تورسون‏زاد) سدس فخری ابومحمود خجندی را در یکی از معابد بمبئی دیده است». (ص259). چنان که می‏بینیم موءلف در دو مورد ادعا دارد که سدس فخری خجندی را در یکی از معابد بمبئی دیده است اما پرفسور هرگز نمی‏گوید که در کدام یک از معابد وسایل ابومحمود خجندی را دیده است. در هر دو مورد، سخن پرفسور مثل معما نوشته شده است. محققان و کارشناسان تاریخ علم می‏دانند که «سدس فخری» چگونه و در کجا ساخته شده است. چطور می‏شود که این «سدس فخری» که در شهر ری ( در کوه طبرک) ساخته شده است.، بعد از گذشت صدها سال، ناگهان، در یکی از معابد هندوستان ظهور کند؟ موءلف قبل ا ز آن که در این‏باره اظهارنظر عالمانه بکند، بهتر می‏شد اثبات نماید که همشهری‏اش ابومحمود خجندی در بمبئی بوده است یا خیر؟ اما اگر منظور نویسنده از مطلب ارایه شده و توضیح ابزار و آلات، بخصوص رصدخانه هند که مشابه «سدس فخری» است، باشد، پس باید فکرش را صحیح و دقیق بنویسد و آن را با زبان علمی بیان کند. این درحالی است، که خود موءلف در پیشگفتار کتابش تأکید می‏ورزد که «بدون غرض‏ورزی و تعصب به شیوه‏ای علمی وقایع تاریخ خجند را تحلیل و تحقیق نماید و تا حد امکان تحقیقی همه جانبه و گسترده و کامل ارائه دهد». (ص31).

ضعف علمی و تعصب موءلف در بررسی و توضیح کلمه «تور» نیز به وضوح آشکار است. چنانچه، وی در این باره می‏نویسد: «در اوستا، بارها اقوام ایرانی شرقی با نام «تورها و توران» ذکر شده‏اند. خجند یکی از مناطق توران بود که ایرانیان در آن می‏زیستند. اکنون در نام‏های تاجیکان ماوراءالنهر- که خود یکی از منابع موثق تاریخی و مردم‏شناسی است- نام زنان و مردان بسیاری با ریشه «تور» به چشم می‏خورد چنان که «تورسان» نام مرد و «تورسان آی» نام زن است که در دوره اسلامی با نام‏های اسلامی ترکیب شده‏اند، مانند: «تورسان محمد» (که در گویشهای تاجیکی و ازبکی) که نام باستانی ایرانی و تورانی «تورسان» شکل ترکی ازبکی «تورسون» را گرفت. (ص38). ارتباط اصطلاح «تور» و «توران» واقعیتی است که در علم تاریخ از دیرباز مطرح است ولی این که پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد مفهوم «تورسون» را از ریشه «تور» ایرانی باستانی می‏داند، کاملا خطاست. چرا که، اولا «تورسون»- کلمه ترکی به معنی «ببینند» «استد» است. این نام ترکی، هم به پسران و هم به دختران داده می‏شود و بیشتر در میان مردم ازبک و تاجیک، معمول است. علت نامگذاری «تورسون» به پسران و دختران در میان مردم عادی و محققان آسیای مرکزی، چنان معلوم و مشهور است که نیاز به توضیح علمی ندارد. اما توضیح این موضوع برای محققان و خوانندگان ایرانی لازم به نظر می‏رسد. این گونه نامگذاری به فرزندان، در میان تاجیکان و ازبکان فقط و فقط مربوط به اعتقادات و سنن اقوام آسیای مرکزی است. طبق رسوم نامگذاری خانواده‏ای که پس هم، کودک نوزادش را به دلایل مختلف از دست می‏داد، با امید این که کودک جدیدش از بین نرود، به او نام «تورسون بای» (اگر پسر باشد) و (تورسون آی) (اگر دختر باشد) می‏گذاشتند. چنان که اشاره شد، معنی کلمه «تورسون» به فارسی «استد»، «بیستد» است. یعنی والدین با این باور و اقدام می‏خواستند بچه نوزاد را از تلف شدن نگه دارند. محققان و پژوهشگران می‏دانند که این گونه باورها تقریباً در میان همه ملت‏ها و اقوام به طرزهای گوناگون رایج است. هم اکنون به هر کجای تاجیکستان و ازبکستان بروید و از مردم آنجا بپرسید، که علت این که اسم شما را «تورسون بای» (نام پسر) یا «تورسون آی» (نام دختر) گذاشته‏اند، چیست؟ پاسخ آنها از کوچک تا بزرگ، یکی خواهد بود که آورده شد.

بدون شک، پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد نیز از این واقعیتی که اشاره شد، آگاه است. ولی به دلایل خاصی، جرأت پذیرفتن حقیقت را ندارد. وی بسیار تمایل دارد، اصطلاح و نام «تورسون» را که به نام خودش هم مربوط است، به زبان آریایی منسوب نماید. به احتمال قوی، تعصب ملی و بینش‏های خاص، موءلف را وادار کرده که در یک واژه اصالتاً ترکی- ازبکی، ریشه ایرانی را جست‏وجو نماید. آن‏گونه که آمد، اسم «تورسون آی» (نام زن) که نذیرجان تورسون‏زاد در بحث خویش به عنوان مثال آورده است. در واقع ریشه و نهادش، ترکی است و به معنی «تورسون» است (به فارسی «بیستد)» و کلمه «آی» هم به معنی «ماه» است. اصطلاح «تورسون» که میان مردم ازبک و تاجیک استفاده می‏شود به‏هیچ وجه به کلمه «تور» و «توران» (آریای) مربوط نیست و فرضیه نذیرجان تورسون‏زاده در این مورد، از منطق سالم برخوردار نیست.

چنان که ذکر شد پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، به طور مختصر بخشی از کتاب خود را به ذکر زندگینامه و آثار اندیشمندان و ادباء خجند اختصاص داده است. (صص270-258) متأسفانه، این بخش از کتاب، از لحاظ علمی و تحلیلی، از اهمیت کمتری برخوردار است، چرا که، این بخش خیلی سطحی است و علاوه بر این، با اشتباهات فاحش و چشمگیری، تصنیف شده است. خلاصه‏های موءلف در بسیاری از موارد، بیشتر به فرضیه‏های غیرمنطقی، شباهت دارد. (3)

در همین بخش کتار، موءلف سعی کرده است مهارت خود را در بررسی مسایل شعر و ادب فارسی بسنجد. وی با این هدف، درباره شاعر مهمی خواسته تا نقطه‏نظر خود را نسبت به شعر این شاعره، بیان نماید. و از جمله وی نوشته است: «او (مهستی) به فارسی شعر می‏گفت که در آنها گویش‏های خجندی کاملا پیداست». (ص262) به راستی این گفته‏های پرفسور تاریخ در مورد مسایل ادبیات، تعجب‏برانگیز است. اساس این‏گونه برداشت را باید از محقق پرسید که بر چه چیزی استوار است؟ کدام شعر مهستی ازگویش‏های خجند است؟ متأسفانه از بحث‏های آقای دکتر نذیرجان تورسون‏زاد، نمی‏توان پاسخ علمی به دست آورد.

تألیف جدید پرفسور نذیرجان تورسون‏زاد، که در مرکز خراسان‏شناسی مشهد به عنوان یک طرح علمی پژوهشی انجام شده است، با وجود زحمت‏های فراوان مصححان و ویراستاران علمی و ادبی عاری از اشتباهات و نواقص فراوان املایی، سبکی و تکنیکی نیست. چنانچه، در این کتاب، اسامی اشخاص، مواضع تاریخی جغرافیایی و اصطلاحات مختلف اجتماعی و فرهنگی، در برگردان سال‏های هجری به میلادی... و با اشتباهات زیاد ارایه شده است، که ذکر برخی از آنها در جای دیگر به تفصیل آمده است.(4)

منابع و مأخذ این اثر، غلطهای فراوانی دارد. از این لحاظ، کافی است به ترجمه عناوین آثار نویسندگان و دانشمندان روسی اشاره‏ای شود. ترجمه‏های ناقص و اختصارات بی‏ربط غیرعلمی آنها باعث شده است، که مشخصات مقالات و تألیفات موءلفان آسیب جدی ببیند. (توجه شود به: صص 290-271).

به نظر نگارنده، مهمترین نقص کتاب موردنظر، این است که اطلاعات علمی و دیدگاه‏های موءلف به خوبی دسته‏بندی نشده است. علاوه بر این دوره‏بندی تاریخ خجند، منابع‏شناسی تاریخی و موضوعات مربوط به آن به طور کلی، براساس تاریخ کلی کشور انجام شده است. (توجه کنید به فصل‏های 3-1). این گونه بینش و مطرح کردن تاریخ محل توسط موءلف، تا حدودی مصنوعی به نظر می‏رسد، چون که ارایه و تشریح تاریخ سیاسی و اجتماعی خجند، تقریباً تکرار تاریخ کلی کشور شده است و خواننده نمی‏تواند به راحتی پی به ویژگی‏های تاریخ خجند در مقایسه با ولایت دیگر ماوراءالنهر و خراسان ببرد. علاوه بر این موءلف در بسیاری از موارد، مسایل مردم‏شناسی و تاریخ اجتماعی قرون اخیر، بدون شواهد و مدارک تاریخی لازم منسوب به تاریخ قرون اولیه بعد از اسلام دانسته و با کمال اطمینان درباره درستی دیدگاهش می‏نویسد. (برای مثال ر.ک. به توصیف تاریخ قرون 4-3هـ/10-9 م خجند، صص 182-181). برای دسترس کردن مطالب و تشریح تاریخ، بهتر بود موءلف موضوعات تاریخی و مردم‏شناسی را مساوی، یعنی در کنار یکدیگر مطرح کند، نه جدا از یکدیگر.

درست است که تألیف جدید پروفسور نذیرجان تورسون‏زاد، که از طرف خراسان‏شناسی ارایه شده‏است برای ایران و ایرانیان در حال حاضر مفید است اما اهل علم و تحقیق ایران و تاجیکستان از اقدام مرکز پژوهشی خراسان‏شناسی در رابطه با تحقیق و بررسی تاریخ و فرهنگ خجند و خجندیان و بخصوص از تلاش‏های یک نفر پروفسور خجندی، انتظاری بیشتر و بهتری را داشتند. این تألیف شاید هم از نظر برخی محققان تاجیک و ایرانی یک اثر جامع و کامل باشد(5) ولی از نظر مورخان خجندشناس، این تألیف از اهمیت شایانی برخوردار نیست. (6) علی‏رغم امکانات خوب و کمک‏های همه‏جانبه ریاست وقت مرکز پژوهشی خراسان شناسی، موءلف در کار تحقیق خود چندان موفق نبوده است و این اثر را نمی‏توان به عنوان اثر والای علمی- آکادمیک چه در ایران و چه در تاجیکستان معرفی کرد. می‏توان گفت، کتاب «تاریخ و فرهنگ مردم خجند» تألیف پرفسور نذیرجان تورسون نخستین کوشش در نوشتن تاریخچه خجند در جمهوری اسلامی ایران است.

منابع:

1- این کتاب جدید پرفسور تاجیک نذیرجان تورسون‏زاد توسط سرکار خانم صدیق معتمدی در مجله «کتاب ماه» به خوبی معرفی شده است. ر.ک. معتمدی، صدیق. معرفی و نقدکتاب «تاریخ و فرهنگ مردم خجند».- کتاب ماه. تاریخ و جغرافیا، 1383، آذر و دی، شماره 87-86، ص23.

2- ر.ک. به: لقمان بایمت اف. تاریخ و فرهنگ مردم خجند- انیس، 002، شماره 1، ص 101- 94 (نقد و بررسی رساله جدید تورسونوف، به خط کیرِیلی).

3- همان مأخذ، صص 101-99.

4- همان.

5- در شماره چهارم سال 1999 م فصلنامه علمی پژوهشی «احیای عجم» که در دانشگاه دلوتی خجند (جمهوری تاجیکستان) منتشر شد،نقد سه نفر از اساتید دانشگاه مذکور تحت عنوان «تحقیقات تاریخی خجند در ایران» به چاپ رسید. منتقدان تألیفات نذیرجان تورسون‏زاد، بدون شک کامل‏ترین و جامع‏ترین تحقیقات آکادمیک درباره تاریخ و فرهنگ خجند است.» (ص102). متذکر باید شد که این ارزیابی از نظر علم تاریخنگاری کاملا اشتباه است.

ر.ک. به: لقمان بایمت اف. تاریخ و فرهنگ مردم خجند، صص 96-95.

6- مقایسه شود با: فضایلی هاشمی، سعید، خجند شگفت‏انگیز، جستاری در جغرافیای تاریخی خجند، انتشارات هفت‏سین، مشهد، 1383، ص 245.